

## معیار بازی‌های مستحب در ادله و احکام مذاهب فقهی و دلالت‌های تربیتی آن‌ها\*

□ مجتبی‌الهی خراسانی\*\*

□ ابوالقاسم دستورانی\*\*\*

### چکیده

بازی به عنوان یک فعالیت اختیاری و غیر جدی که به قصد شادمانی و لذت انجام می‌شود، بخشی از زندگی انسان است. در میان فقه امامیه و سایر مذاهب، تنوع و تفاوت احکام بازی‌ها از واجب تا حرام، مورد اتفاق است، اما این‌که معیار بازی‌های مستحب در ادله و احکام مذاهب فقهی چیست؟ و دلالت‌های تربیتی آن‌ها کدام‌اند؟ اختلاف و تردید وجود دارد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با جست‌وجو و کاوش در آیات و روایات، کتب تفسیری و منابع فقهی تلاش دارد تا ضوابط و قیود بازی‌های مستحب را شناسایی کند و از این رهگذر، به معیارها و ملاکات کلی آن‌ها راهی بیابد. سپس دلالت‌های تربیتی بازی‌های مستحب را بیان کند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد انواع مختلف بازی در صورتی متصف به استحباب می‌شوند که موجب تقویت آمادگی برای دفاع از حق یا تقویت برادری بین مسلمانان و صلح و تالیف قلوب بین انسان‌ها گردد. روحیه استکبار ستیزی را تقویت نماید. انجام آن باعث اضرار به نفس یا غیر و یا ترک واجب و ارتکاب حرام نشود. همچنین براساس این پژوهش در تربیت گاهی لازم است از فعالیت غیر جدی مانند بازی همراه با تشویق و جایزه استفاده کرد مربی باید به بعد روحانی و جسمانی متربی توجه کند و دارای برنامه منظم و هدف‌مند باشد. برای ارتباط بهتر با متربی هم‌زبان شدن با او و همراهی کردن با او ضروری است.

\* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۹/۱۶؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱/۲۹.

\*\* استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه مشهد و مدرس مرکز تخصصی آخوند خراسانی وابسته به دانشگاه باقرالعلوم (ع)،

mojtaba.elahi.khorasani@gmail.com

مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

dastorani2435@gmail.com /

\*\*\* دانشجوی دکترای مدرسه عالی نواب مشهد، ایران.

واژگان کلیدی: لهو و لعب، سبق و رمایه، ملاکات احکام، بازی‌های مستحب، فقه تربیت، مذاهب فقهی، دلالت‌های تربیتی.

### مقدمه

بازی یکی از نیازهای اساسی انسان است که در همه جوامع و فرهنگ‌ها وجود داشته است. به اعتقاد بیشتر متخصصان علوم تربیتی و روان‌شناسی، نقش اساسی در تربیت، دارد. اسلام نیز به بازی و نقش آن در تربیت توجه داشته است از این رو فراگیری بعضی از آن‌ها را جایز و بعضی دیگر را ممنوع دانسته است. در میان بازی‌هایی که در فقه مطرح شده است، برخی به عنوان بازی‌های مستحب شناخته می‌شوند. مانند شنا، تیراندازی، اسب‌دوانی و... که اسلام فراگیری آن‌ها را سفارش کرده است.

اما فراوانی بازی‌های جدید در عصر حاضر به‌ویژه در فضای مجازی از یک سو، و از سوی دیگر عدم آشنایی با ملاک بازی‌های مستحب و دلالت‌های تربیتی آن‌ها می‌تواند باعث محرومیت متری از آثار و فواید بازی‌های مستحب از قبیل تقویت قوای جسمانی، تعامل اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و... گردد و چه بسا او را گرفتار بازی‌های حرام کند و در اثر انجام بعضی از بازی‌ها، به خود یا دیگران ضرر بزند و یا باعث محدودیت‌های ناروا برای کودکان شود در نتیجه مانع از بهره‌مندی او از بازی به عنوان ابزار تربیتی شود. از این رو، انجام پژوهش در مورد ملاک بازی‌های مستحب و دلالت‌های تربیتی آن، امری ضروری است، زیرا می‌تواند به رفع این مشکلات کمک کند و زمینه را برای بهره‌مندی از بازی‌های مستحب در جهت تربیت انسان فراهم کند و والدین و مربیان نیز با داشتن معیار و ملاک بازی‌های مستحب و تطبیق آن بر بازی‌های جدید و نوپدید، می‌توانند حکم بسیاری از بازی‌ها را روشن ساخته و از آن در امر تربیت بهره‌مند شوند.

بر این اساس، نوشتار حاضر در صدد پاسخ به این سؤال اصلی است که معیار بازی‌های مستحب در ادله و احکام مذاهب فقهی چیست؟ و دلالت‌های تربیتی آن‌ها کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال نیاز است به پرسش‌های دیگری از قبیل مفهوم بازی چیست؟ بازی به لحاظ فقهی دارای چه اقسامی است؟ اصل اولی در بازی‌ها چیست؟ تعدی از یک موضوع به موضوعات

دیگر از چه طریقی امکان پذیر است؟ نیز پاسخ داده شود.

علوم متعددی به مطالعه و پژوهش درباره بازی توجه کرده‌اند، از روان‌شناسی و علوم تربیتی گرفته تا علم فقه و اخلاق و... از این رو پژوهش در مورد تمام ابعاد و حوزه‌های مختلف بازی به‌عنوان یک مطالعه میان‌رشته‌ای، نیازمند مراجعه به منابع گوناگون و دانش‌های مختلف است. منابع فقهی به‌خصوص در منابع قدما، پژوهش‌های مستقل و متمایزی درباره ملاک بازی‌های مستحب و دلالت‌های تربیتی آن وجود ندارند، ولیکن فقها برخی از احکام و مقررات آن را ذیل عناوینی مثل نماز مسافر، شرایط شاهد، سبق و رمایه و لهو و لعب مطرح کرده‌اند. از جمله این کتب می‌توان به المبسوط شیخ طوسی از قدما و تذکرة الفقهاء علامه حلی از متاخران و مکاسب مرحوم امام و أنوار الفقاهة آیت الله مکارم شیرازی از معاصران اشاره کرد. در کتب فقهی اهل سنت نیز به‌مقوله بازی ذیل عناوین یاد شده اشاره کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب المذهب فی فقه الامام الشافعی، شیرازی، المبسوط سرخسی، المغنی ابن قدامة، احیاء علوم‌الدین غزالی و الفقه الاسلامی و ادلته وهبة زحیلی، نام برد.

در دوره معاصر نیز پژوهش‌های متعددی در حوزه بازی و نقش آن در تربیت نوشته شده است. از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اعرافی، علی‌رضا؛ مبلغ، محمدکاظم. «حکم فقهی استفاده از بازی در تربیت». نشریه راه تربیت، دوره ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۲. اعرافی، علی‌رضا. فقه تربیتی (تربیت جسمانی). پژوهش و نگارش محمد قاسم رجایی. ایران، قم: موسسه اشراق و عرفان، چاپ: اول، ۱۳۹۷ ش.
۳. رضایی، حسین علی. مسابقات در فقه اسلامی. ایران، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۵ ش.
۴. الغامدی، عبدالرحمن بن حمود. حق الطفل فی اللعب من منظور التربية الإسلامية، المملكة العربية السعودية، مجلة كلية التربية، جامعة الأزهر، العدد ۱۶۴، الجزء الثالث، ۲۰۱۵ م.
۵. الروقی، سعود بن عبدالله. «الرياضة من منظور اسلامی». السعودیه، مجلة البحوث الفقهية المعاصرة، مج ۲۰، ۷۹۶، ۱۴۲۹.

۶. المدالله، عبدالعزيز بن مهنا بن محمد. الضوابط الشرعية في لعب الاطفال. عربستان، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الماجستير، المعهد العالي القضاء، قسم فقه المقارن، ۱۴۳۱/۱۴۳۲ق.

۷. البهلال، صالح فريح. الأحاديث الواردة في اللُّعْب والرياضة - دراسة حديثة فقهية - المملكة العربية السعودية، الدمام: دار ابن الجوزي للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۵ هـ. در آثار یادشده به مصادیق بازی، حکم آن و نقش آن در تربیت اشاره شده است، ولی به ملاک بازی‌های مستحب که تاثیر به‌سزایی در فقه و مسایل مستحدثه آن دارد و دلالت‌های تربیتی بازی‌های مستحب، توجه نشده است. از این رو با کشف ملاک بازی از طریق عقل یا نقل و الغای خصوصیت از بازی‌هایی که در نصوص شرعی آمده است، می‌توان حکم بسیاری از بازی‌ها را که هر روز نوع جدیدی از آن اختراع و عرضه می‌شود، استخراج کرد و از عسر و حرج در امان مانده و از رجوع به اصول عملیه نیز بی‌نیاز شد.

از این رو، در فعالیت حاضر با مراجعه به کتاب و سنت و تجزیه و تحلیل نصوص شرعی می‌توانیم ملاک بازی‌های مستحب و دلالت‌های تربیتی آن را اثبات نموده و سپس از طریق قیاس اولویت، قیاس منصوص العله، تنقیح مناط، الغای خصوصیت، استقراء... از بازی‌های منصوص مستحب تعدی کرده و حکم به استحباب را به بازی‌های غیر منصوص موجود در فضای حقیقی و مجازی نیز تعمیم می‌دهیم.

## مفهوم‌شناسی

### معیار

مقصود ما از معیار، اعم از ملاک و ضوابط است. یعنی خصوصیت یا علتی که باعث شده است شارع حکم به استحباب بعضی از بازی‌ها کند و فراگیری و تعلیم آن را به‌ویژه به کودکان سفارش کند (ایازی، ۴۲: ۱۳۸۹).

### استحباب

استحباب در لغت، کتاب و سنت به معنای دوست داشتن، پسندیدن، برگزیدن و ترجیح دادن

چیزی بر دیگری آمده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۳۹۶/۱). اما در فقه امامیه، به طلب فعل یا ترجیح فعل با عدم منع از ترک آن، تعریف شده است (صدر، ۱۴۲۱: ۱۶۴/۱). در فقه اهل سنت نیز گفته شده هرگاه خطاب شارع مقتضی عمل غیر جازم باشد یعنی ترک آن عمل جایز باشد، حکم به استحباب آن عمل می‌شود (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، ۱۴۰۴: ۲۱۴/۳).

در متون فقهی و روایی افزون بر واژه استحباب، از واژگان دیگری چون مندوب، تطوع، نفل و سنت نیز استفاده شده است که همه این واژگان دلالت می‌کنند بر این که عمل دارای ثواب است و اتیان به آن عمل در نزد شارع، رجحان و مطلوبیت دارد هر چند مطلوبیت آن در حد الزام نیست. به نظر می‌رسد اطلاق هر یک از این واژگان بر عمل مذکور به جهت مناسبتی بوده است از این رو، این عمل از آن جهت که محبوب خداوند است و انجام آن فضیلت دارد به آن «مستحب» می‌گویند و به جهت اهمیتی که دارد و مردم به آن فراخوانده شده‌اند، «مندوب» گویند و از آن جهت که این گونه افعال به صورت داوطلبانه و با میل و رغبت انجام می‌گیرد، به آن تطوع گویند. همچنین این اعمال چون زائد بر واجبات هستند به آنها نافله اطلاق می‌شود و چون انجام مستحبات، روشی پسندیده و طریقی مطلوب و معقول است، به آن «سنت» گفته شده است (مکارم، ۱۴۲۷: ۴۳۱/۱).

حنفیه بین سنت و مندوب تفاوت قایل شده‌اند و گفته‌اند که سنت عملی است که پیامبر اسلام (ص) بر انجامش مواظبت داشته و به آن پای بند بوده و گاهی بدون عذر آن را ترک کرده است. حکم این عمل این است که انجام آن پاداش دارد و ترک آن سرزنش دارد. اما مندوب عملی است که که پیامبر (ص) بر انجامش مواظبت نداشته و به صورت مرتب آن را انجام نداده است. قانون در اعمال مندوب این است که برای عملش پاداش می‌گیرد و به خاطر انجام ندادن آن سرزنش نمی‌شود (زحیلی، ۱۴۰۹: ۳۹۳/۱). در این که الفاظی که دلالت بر رجحان می‌کنند مترادف هستند یا خیر؟ اختلاف است. برای توضیحات بیشتر به کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة، ۶۰/۱؛ مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، ۴۴۹/۱ رجوع شود.

## بازی

بازی در فارسی به معنای هر کاری که موجب سرگرمی باشد، رفتار کودکانه و غیر جدی برای سرگرمی،

کار تفریحی، مزاح، خوش طبعی، شیطنت و نیرنگ، معاشقه، رقص و قمار آمده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۹۲۰/۳). اما در زبان عربی واژه معادل بازی، «لعب» است و در بسیاری از موارد همراه با «لهو» استعمال شده است که حاکی از تشابه معنایی این دو است (اعرافی، ۱۳۹۴: ۸۳-۱۱۰). لعب در معاجم عربی کتب لغت به معنای بازی، شادی، سرگرمی، کار بی حاصل (شرف‌الدین، ۱۳۹۳: ۱۰۶). عمل بدون هدف (همان؛ رضاییان حق، ۱۳۹۵: ۱۵۴-۱۱۶). فعالیت بدون منفعت و غرض عقلایی، آمده است (همان).

واژه لعب و مشتقات آن حدود ۲۰ بار در قرآن آمده است. با واژگانی چون لهو، خوض، هزو و رتع هم‌نشین است (ارناؤوطی، ۲۰۱۶: ۲۲؛ مبشر، ۱۳۹۶: ۳۵). به معنای مزاح و شوخی (توبه/۶۴ و ۶۵)، غفلت و اشتغال به امور بی‌فایده (انعام/۹۱)، قول و فعل باطل (زخرف/۸۳)، عمل بدون هدف و حکمت (انبیا، ۱۶)، اشتغال به امور مباح (یوسف/۱۱ و ۱۲)، مسخره کردن و استهزا (انبیا/۲۱)، و به معنای امر سریع و زودگذر (عنکبوت/۶۴)، آمده است. واژه لعب در روایات نیز به معنای لغوی اش به کار رفته است. از این رو برای تشخیص معنا باید به سیاق جمله توجه کرد. در کتب روان‌شناسی گفته شده است «بازی» هر نوع فعالیت داوطلبانه و اختیاری است که برای تفریح و خوشی انجام می‌شود، بدون توجه به نتیجه نهایی (مطهری، ۱۳۸۱: ۸۶). از نظر فروید بازی فعالیتی است برای تخلیه یعنی کودک از طریق بازی عواطف و احساسات درونی خود را تخلیه می‌کند و خود را با موقعیت‌های سهل و دشوار مواجه می‌سازد و کسب تجربه می‌کند تا در مقابل واقعیت‌های زندگی ایستادگی کند (دستمرد؛ بخشش؛ ابراهیمی شادپی، ۱۳۹۸: ۶۴-۵۵). در کتاب‌های فقهی، لعب هماهنگ با معنای لغوی به کار می‌رود و بیشتر به هر حرکتی که بدون غرض عقلایی انجام شود، لعب گویند (خویی، ۱۴۱۸: ۶۴۱/۳۵؛ نمازی، ۱۳۷۵: ۴۱) در برخی از منابع فقهی لعب را هر عملی دانسته‌اند که هدفش صرفاً لذت بردن است (روحانی، ۱۴۲۹: ۱۶۱/۲) و در برخی دیگر آمده که عمل کودکان است که به دنبال آن خستگی بی‌فایده است و بی‌فایده‌گی را خصلت لعب دانسته‌اند (جمعی از پژوهش‌گران، ج ۳۵، ۱۴۰۴: ۳۳۷).

با توجه به مطالب بیان شده، بازی هرگونه فعالیت غیر جدی است که به قصد لذت بردن و رسیدن به سرور و شادمانی انجام می‌شود و مراد از بازی در خصوص کودکان عبارت است از

فعالیت آزادانه، هدف‌مند و لذت بخش که از طریق آن به نیازهای کودک پاسخ داده می‌شود و موجب تربیت و رشد کودک می‌شود.

### احکام متنوع بازی در ادله و فتاوی فقهی

از نظر اسلام، اگر بازی عاملی برای تقویت سلامت جسم و روح باشد و باعث رشد و نشاط آدمی شود، مجاز و اگر منجر به غفلت شود یا با ابزار ممنوع انجام شود مانند قمار، و یا مستلزم تصرفات ممنوعه مثل تصرفات کودکان باشد، در این صورت ممنوع است.

مواجهه آیات و روایات با بازی، یک‌سان نیست. از این رو در برخی موارد موضع منع و انکار دارد مثل قمار، نرد، رقص، کبوتربازی. بنابر برخی از روایات، بازی‌های آزار دهنده حیوانات مثل گاوبازی، به‌جان هم انداختن خروس و غیره (کلینی، ۱۴۲۹: ۹/۶۷۸؛ البیهقی، ۱۴۲۴: ۱۰/۳۷۶). شارع از این دسته از بازی‌ها به‌دلیل اشتغال بر مفسده منع کرده است (خمینی، ۱۴۱۵: ۷/۲؛ خویی، ۱۴۱۷: ۱/۳۶۸؛ المدالله، ۱۴۳۱: ۴۰؛ الروقی، ۱۴۲۹: ۲۴۵).

گاهی روی‌کرد تاییدی و گاهی تجویز و مشروعیت دارد. بازی‌هایی که دارای مصلحت هستند و موجب تقویت جبهه حق بر باطل می‌شوند، شارع تصریح به مشروعیت آن‌ها کرده است و برانجام آن‌ها وعده ثواب داده است، مانند شنا و تیراندازی (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸/۲۱۲؛ المدالله، ۱۴۳۱: ۴۰؛ الروقی، ۱۴۲۹: ۲۴۵).

در آیه شریفه «أُزْسِلُهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (یوسف/۱۲)، بازی کردن به یوسف (ع) نسبت داده و حضرت یعقوب نیز با سکوتش بر جواز این عمل صحنه گذاشته است. در روایات نیز به‌ارزش و اهمیت بازی در دوران کودکی اشاره شده است. این دوره را دوران سیادت کودک نامیده‌اند و توصیه کرده‌اند کودک را در هفت سال اول آزاد بگذارید تا بازی کند (عاملی، ۱۴۱۶: ۲۱/۴۷۵). حتا در روایات، بازی‌هایی برای بزرگسالان نیز توصیه شده و حتا تعیین جایزه برای آن مجاز است (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۴۴۲). مانند اسب‌سواری، تیراندازی و شنا. در روایاتی از فریقین، پرورش اسب، تیراندازی با کمان جزء تفریحات مجاز مومن شمرده شده (کلینی، ۱۴۲۹: ۹/۴۶۸؛ النسائی الخراسانی، ۱۴۲۱: ۸/۱۷۶) و آموزش شنا و تیراندازی به‌فرزندان سفارش شده است (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۴۴۲).

از این رو در فتاوی فقها، بازی به اعتبار حکم تکلیفی به پنج دسته تقسیم می‌شود: (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲/۱۰۹ و ۲۸/۲۱۸؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۲/۴۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۲/۳۵۴؛ رضوان فر، ۱۳۸۴: ۱۱؛  
وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية ۱۴۲۷: ۳۵/۲۶۸؛ سعاد کنو، ۱۴۳۳: ۷۷).

### دسته اول

بازی‌های مباح هستند مانند مسابقات دو، مسابقه با مرکب مثل کشتی. حکم به اباحه در این نوع از بازی‌ها، منوط به این است که بازی خلاف مروت نباشد؛ باعث ضرر بر انسان یا حیوان نشود؛ اشتغال با آن موجب ترک واجب یا فعل حرام نشود. همچنین بازی نباید منجر به ایجاد مزاحمت یا تضییق مال و وقت شود.

### دسته دوم

بازی‌های حرام مانند بازی نرد و شطرنج (حلی، ۱۴۱۲: ۱۵/۳۷۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۸/۸۲؛ وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية ۱۴۲۷: ۳۵/۲۶۹)، که اگر این نوع از بازی‌ها توسط شخص تکرار شود از عدالت ساقط می‌شود و شهادت او مردود است (زحیلی، ۱۴۰۹: ۴/۲۶۶۶). مرحوم امام نیز در کتاب مکاسب محرمة خود بازی با شطرنج را چه با شرط‌بندی و چه بدون شرط‌بندی حرام دانسته است (خمینی، ۱۳۹۲: ۷/۲) اما در استفتاهایی که در سال ۱۳۶۷ از ایشان شد، مبنی بر این که اگر شطرنج آلات قمار بودن خود را به طور کلی از دست داده باشد و چون امروز تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده شود، بازی با آن چه صورتی دارد؟ فرمودند: بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد، اشکال ندارد (خمینی، ۱۳۹۲، ۵/۵۴۶). این بازی‌ها مشتمل بر حالات زیر است:

۱. بازی با ابزار مخصوص قمار همراه با قرارداد برد و باخت، این قسم به نظر همه فقها حرام

است (خمینی، ۱۳۹۲: ۲/۷۱۵ و ۳۵)

۲. بازی با ابزار مخصوص قمار بدون قرارداد برد و باخت. در این قسم قول به حرمت و عدم

آن هر دو نقل شده است.

۳. بازی با ابزار غیر قمار اما همراه با برد و باخت. در این قسم نیز، حکم به حرمت شده

است، مگر در مواردی که دلیل خاص بر جواز باشد، مثل تیراندازی و اسب‌سواری.



مرحوم امام (ره) می‌فرماید: قدر متیقن از حرمت لعب در صورتی است که لعب با آلات قمار و همراه با شرط‌بندی باشد. دلیل بر حرمت آن کتاب، سنت و اجماع است. اما اگر لعب با آلات قمار و بدون شرط‌بندی باشد. یا لعب به غیر آلات قمار و با شرط‌بندی باشد، یا لعب بدون آلات قمار و بدون شرط‌بندی باشد، بیشتر فقها حکم به حرمت آن کرده‌اند ولی در دلیل بر حرمت، اختلاف دارند (خمینی، ۱۳۹۲: ۷/۲).

بنابراین، اگر بازی با ابزار غیر قمار و بدون تعیین جایزه و برد و باخت صورت گیرد، ممکن است مشمول حکم اباحه و حتا استحباب و وجوب شود (ابحرانی، ۱۴۰۵: ۲۲/۳۵۴؛ نصاری، ۱۴۱۵: ۱/۳۴۱؛ خوبی، ۱۴۱۷: ۱/۳۷۹) اگرچه گاهی هم به علت اوصاف عارضی بیرونی، حرمت عارضی بیابد (حلی، ۱۴۱۰: ۲/۱۲۴).

#### دسته سوم

بازی‌های مستحب هستند. مانند تیراندازی، پرتاب نیزه و هر آنچه که در امر جنگ نافع باشد.

#### دسته چهارم

بازی‌های مکروه هستند. مثل بازی با پرندگان و کبوتربازی که منافی با مروت هستند و چه بسا منجر به فوت مصالح می‌شود و یا باعث اعراض از عبادات و طاعات الهی می‌شود.

#### دسته پنجم

بازی‌های واجب، در صورتی که صحت و سلامت فرد منحصر در انجام بازی باشد و یا بازی مقدمه‌ای برای جهاد واجب باشد؛ در این صورت، حکم به وجوب آن بازی می‌شود (رضوان‌فر، ۱۳۸۴: ۱۳؛ سعادت‌کنو، ۱۴۳۳: ۷۷).

#### اصل اولی در بازی‌ها

در بین فقیهان شیعه نسبت به اصل اولی فقهی در خصوص بازی، بیشتر فقها حکم به اباحه کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵: ۲/۴۸؛ خوبی، ۱۴۱۸: ۳۵/۶۴۴). برخی مثل ابن ادریس حلی (حلی، ۱۴۱۰: ۲/۱۲۴). طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۳۲۸)، لعب را به طور مطلق حرام می‌دانند. برخی

مثل شیخ انصاری به طور مطلق حکم به کراهت لعب کرده است (انصاری، ۱۴۱۵: ۴۸/۲). در مقابل، برخی تصریح می‌کنند که دلیل کافی برای حکم به حرمت یا کراهت به طور مطلق وجود ندارد. بلکه باید حکم به جواز به نحو مطلق شود مگر در مواردی که دلیل خاص داریم (روحانی، ۱۴۲۹: ۱۶۱/۲).

فقها عامه نیز در خصوص اصل اولی فقهی در بازی‌ها، برخی حکم به اباحه و برخی حکم به حرمت و برخی دیگر نیز، حکم به کراهت کرده‌اند. همچنین برخی نیز تفصیل داده‌اند به این صورت که اگر بازی باعث اعانه بر اوامر الهی بشود، اصل در آن‌ها جواز است چه با عوض و چه بدون عوض مثل مسابقه اسب‌دوانی. اگر بازی مستلزم ارتکاب امور منهی عنه بشود، اصل در آن‌ها حرمت است چه با عوض و چه بدون عوض مانند بازی نرد. بازی‌های که گاهی دارای منفعت است و مشتمل بر ضرر راجح نیست، اصل اولی در این دسته از بازی‌ها، جواز بدون تعیین عوض است (سعادت‌کنو، ۱۴۳۳: ۷۸). زحیلی نیز می‌گوید: اگر بازی مفید نباشد محکوم به کراهت است به دلیل تضییق وقت و اعراض از ذکر خدا (زُحَیْلِي، ۱۴۰۹: ۲۶۶۲ تا ۲۶۶۶).

به نظر می‌رسد قول صحیح در اصل اولی در بازی، اباحه باشد؛ زیرا:

- یکم: اصل اولی در اشیا اباحه است به دلیل کتاب (بقره/۲۹؛ مانده/۴ و ۵؛ اعراف/۱۵۷)، سنت (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/۵۴۲؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۷/۲۲۶)، عقل (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰: ۹/۲۲۷)، اجماع (حلی، ۱۴۰۳: ۲۰۵؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۵/۹۸) و سیره (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰: ۹/۲۲۷)؛

- دوم: ما دلیلی بر حرمت بازی نداریم و اگر در مواردی هم حکم به حرمت یا کراهت شده به خاطر تقارن آن با اموری مثل اتلاف وقت، غفلت از خدا، استفاده از ابزار قمار و... بوده است. پس اگر چنانچه بازی مستلزم مفاسد مذکور نباشد، باید حکم به اباحه آن کرد (فهیمی، بی‌تا: ۱)؛  
- سوم: سیره اهل بیت (ع) به ویژه پیامبر اکرم (ص) بر بازی کردن با امام حسن و امام حسین (ع) دلیل دیگری است بر این که بازی کردن مباح است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۶/۴۳).

- چهارم: مجموعه‌ای از روایاتی که توصیه به بازی و تفریح می‌کند (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۵۹) خصوصاً بازی والدین با فرزندان (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۱۳/۴۸۰). این روایات نیز دلالت

بر اباحه بازی می‌کند زیرا اگر بازی بما هو بازی مقتضی حرمت و ممنوعیت بود، توصیه به آن معنا نداشت. این مجموعه از روایات به لحاظ سند هر چند ممکن است خدشه بر آن‌ها وارد شود اما مجموع این روایات با هم می‌تواند دلیل دیگری بر مباح بودن بازی‌ها باشند.

### کشف معیارها و ضوابط بازی‌های مستحب

اسلام به بازی و تفریح به عنوان یک نیاز طبیعی برای زیست انسان توجه کرده است، از این رو به آن جا م برخی بازی‌ها توصیه نموده است. بنابراین، برای کشف معیار بازی‌های مستحب و دلالت‌های تربیتی آن‌ها، لازم است ابتدا بازی‌های که حکم به استحباب آن‌ها شده جمع‌آوری شود و اصل استحباب آن‌ها اثبات شود، سپس معیار استحباب در آن‌ها کشف گردد و دلالت‌های تربیتی آن‌ها تبیین شود.

### استقرای بازی‌های مستحب

استحباب بازی‌ها از طریق ادله خاصه و یا تطبیق عناوین عامه مستحب (مثل تقویت دین، تقویت جسم و...)، قابل اثبات است. در ذیل، بازی‌های مستحب بر اساس ادله خاصه شناسایی شده است:

### اسب سواری

در آیات و روایات متعددی به اسب سواری سفارش شده است. که برخی از این ادله بر اصل جواز این نوع از بازی دلالت می‌کنند (حشر/۶) و برخی دیگر بر فضیلت اسب سواری و تعلیم آن دلالت دارند. از جمله ادله داله بر استحباب اسب سواری عبارتند از:

### دلیل اول. آیه ۶۰ سوره انفال

صدر این آیه ضمن امر به تحصیل آمادگی و کسب مهارت برای جهاد، به دلالت مطابقی نیز بر رجحان کسب مهارت سوارکاری و نیز به کارگیری آن برای مقابله با دشمنان، دلالت می‌کند. از این رو اگر سوارکاری مقدمه برای جهاد و حفظ نظام اسلامی باشد، حکم به وجوب آن می‌شود. در غیر این صورت، حکم به استحباب می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۷/۲۴۸).

## دلیل دوم. اخبار

در منابع حدیثی امامیه و عامه، احادیث بسیاری وجود دارد که تشویق به سوارکاری و ترغیب به کسب مهارت در سوارکاری می‌کند و تعیین جایزه در این بازی را جایز می‌دانند. روایت صحیحه عمر بن ابان، عبدالله بن سنان، حفص البختری و موثقه طلحة بن زید از امامیه (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۱/۹) و روایت صحیحه ترمذی از پیامبر اکرم (ص) (ترمذی، ۱۴۱۹: ۵۹۸/۳)، از این قبیل هستند. آنچه که اثبات شد گرچه در خصوص اسب سواری است و لکن با الغای خصوصیت و تنقیح مناظ می‌توانیم حکم به استحباب را به تمام ابزار و وسایل نظامی و حتا غیر نظامی که باعث تقویت بنیه اسلام و تضعیف دشمنان اسلام بشود، تعمیم داد. پس هر بازی که بتواند موجب تقویت نظام اسلامی بشود بعید نیست که حکم به استحباب آن بشود.

## تیراندازی

یکی از بازی‌های که به‌طور خاص از آن در منابع حدیثی امامیه و عامه سخن به میان آمده است، تیراندازی است. در کتب فقهی نیز بابتی را تحت عنوان «رمایه» به این بازی اختصاص داده‌اند. رمایه در لغت به معنای انداختن و پرتاب کردن است و در اصطلاح فقهی نوعی قرارداد در مسابقه تیراندازی است که به منظور کسب آمادگی برای جهاد با دشمنان اسلام، انجام می‌پذیرد (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۷/۲۵۶). از جمله ادله‌ای که دلالت بر استحباب این بازی می‌کند عبارتند از:

## دلیل اول. آیه ۶۰ سوره انفال

در برخی روایاتی که در تفسیر آیه شریفه آمده است، واژه «مِنْ قُوَّةٍ» به تیراندازی تفسیر شده است. بنابراین، آیه به کیفیتی که قبلا بیان کردیم، بر استحباب بازی تیراندازی دلالت می‌کند (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۷/۲۵۸).

## دلیل دوم. اخبار

در منابع حدیثی امامیه در خصوص فضیلت تیراندازی و استحباب آن روایاتی وارد شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مفهوم روایت صحیحه علی بن جعفر از امام موسی کاظم علیهما

سلام (عریضی، ۱۴۰۹: ۱۶۲؛ عاملی، ۱۴۱۶: ۱۷ / ۳۱۵) اشاره کرد که بر استحباب دو بازی اسب‌سواری و تیراندازی دلالت می‌کند. همچنین روایت مرفوعه علی بن اسماعیل از پیامبر گرامی اسلام به‌صراحت دلالت می‌کند بر این‌که «تیراندازی، تربیت کردن اسب، و همبازی شدن با همسر از مستحبات است» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۷۷).

همچنین در منابع حدیثی عامه آمده است «عَلَيْكُمْ بِالرَّمْيِ، فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَّعَيْكُمْ» (الطبرانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۰۴). این حدیث به‌لحاظ سند مشکلی ندارد، زیرا در سلسله سند این حدیث غیر از حاتم بن الیث که ثقة است مابقی روای‌ها صحیح هستند (الهیثمی، ۱۴۱۴: ۵ / ۲۶۸) و بنابراین، حدیث با توجه به‌تعبیر «فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَّعَيْكُمْ» به‌صراحت دلالت بر استحباب تیراندازی دلالت می‌کند.

### شمشیر بازی

در منابع حدیثی امامیه (کلینی، ۱۴۲۹: ۹ / ۳۵۵) و عامه (البخاری ۱۹۹۳: ۳ / ۱۰۳۷)، به سند صحیح، همه خوبی‌ها در شمشیر و در زیر سایه شمشیر معرفی شده است؛ زیرا که کفار به‌وسیله آن تسلیم می‌شوند و ستم‌کاران به‌راه راست می‌روند و امور مردم سامان می‌یابد. بنابراین، ترتب ثواب بر شمشیر، کاشف از رجحان این عمل است.

همچنین تفسیر «مِنْ قُوَّةٍ»، در آیه ۶۰ سوره نفل، به‌شمشیر و سپر (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۶). دلیل دیگری بر استحباب شمشیر بازی است.

با توجه به‌الغای خصوصیت در مورد تیراندازی و شمشیرزنی و تنقیح مناط، و می‌گوییم هر چیزی که بتواند پیروزی مسلمانان بر کفار را تقویت کند حکم به‌استحباب آن می‌شود. از این رو حکم به‌استحباب نیزه‌زنی و پرتاب نیزه می‌شود.

### شنا

شنا از بازی‌های سفارش شده در اسلام است. در روایات نیز به‌عنوان بهترین سرگرمی برای مؤمن معرفی شده است (رضائی، ۱۳۸۵: ۲۴). در روایت سکونی از پیامبر اکرم (ص) آمده: حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ... يَعْلَمُهُ السَّبَّاحَةَ (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱ / ۴۴۷). با توجه به‌جمله «وَيَعْلَمُهُ السَّبَّاحَةَ» که جمله خبریه در مقام انشا است (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۷ / ۲۵۸). همچنین سیاق روایت که

مجموعه‌ای از امور مستحبه مثل تعلیم کتاب و انتخاب نام نیکو برای فرزندان و غیره را به هم عطف کرده است، می‌توان حکم به رجحان و استحباب تعلیم شنا را اثبات کرد. همچنین مرفوعه علی بن سالم (نوری، ۱۴۰۸: ۷۷/۱۴) که توصیه به تعلیم شنا کرده است به قرینه ارتکازات و سیره مشرعه، حمل بر استحباب می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۷: ۲۷۹/۱۷) و قریب به همین مضمون، روایاتی در منابع حدیثی اهل سنت نیز آمده است (المتقی الهمدی، ۱۴۰۱: ۱۶/۴۴۳). نکته قابل تأمل در باره روایاتی که در منابع حدیثی امامیه و عامه در خصوص شنا وارد شده‌اند، این است که این روایات، بیشتر به لحاظ سند، دارای اشکال هستند؛ اما با توجه به تعداد قابل توجهی که دارند، حصول اطمینان به صدورشان از معصوم بعید نیست.

### کُشتی

برای اثبات استحباب کشتی می‌توان به ادله ذیل تمسک کرد.

### دلیل اول

در منابع حدیثی امامیه و عامه آمده است، حسنین به درخواست پیامبر (ص) مشغول کشتی گرفتن شدند و در طول زمانی که کشتی می‌گرفتند، پیامبر اکرم (ص) امام حسن (ع) را تشویق می‌نمود و جبرئیل نیز امام حسین (ع) را تشویق می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۴۶؛ الزهری، ۱۴۲۱: ۶/۳۷۰).

### بررسی سندی

این روایت با کمی اختلاف در منابع حدیثی عامه به سند صحیح نقل شده است (البهلال، ۱۴۳۵: ۲۳). اما در منابع حدیثی امامیه، چون سند حدیث مشتمل بر محمد بن موسی بن متوکل و علی بن حسین سعد آبادی است، از این رو محل اشکال واقع شده است. ولی به نظر می‌رسد اشکال وارد نیست. هر دو راوی موثق هستند، زیرا وثاقت محمد بن موسی بن متوکل را با توجه به قرائن ذیل می‌توان اثبات کرد؛ یک: شیخ صدوق روایات زیادی را از ایشان نقل کرده است. دو: سید بن طاووس ادعای اتفاق بر وثاقت محمد بن موسی بن متوکل، نموده است. سه: برخی از علما رجال مثل علامه حلی و ابن داوود حکم به وثاقت ایشان کرده‌اند (حلی، ۱۴۰۲: ۱۴۹؛ حلی،

۱۳۴۲: ۳۳۷/۱؛ خویی، ۱۴۱۳: ۱۸/۳۰۰). بنابراین، راوی موثق است. و وثاقت علی بن حسین سعدآبادی را نیز می‌توان از طرق زیر اثبات کرد؛ یک: نامبرده از مشایخ اجازه است. دو: بزرگانی چون کلینی، زراری و جعفر بن محمد بن قولویه از وی، نقل روایت کرده‌اند. سه: وی از مشایخ جعفر بن محمد بن قولویه در کامل الزیارات است. چهار: اصحاب احادیث او را قبول کرده‌اند و برخی حدیث وی را صحیح و برخی حسن شمرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۴۲۷؛ مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۴/۳۸۵).

### بررسی دلالتی

در صورتی که فعل معصوم همراه با قراین باشد، می‌توان از آن رجحان را برداشت کرد. بنابراین، در محل بحث، چون بازی حسنین علیهما سلام با تشویق پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت جبرائیل امین (ع) همراه می‌شود، از این رو، می‌تواند دلیل بر استحباب کشتی باشد.

### دلیل دوم

در منابع متعددی کشتی گرفتن حضرت امیرالمومنین علی (ع) قبل از بلوغ و بعد از آن، با افراد مختلفی از خویشان و اغیار نقل شده است از این رو مداومت و تکرار این عمل توسط ایشان، می‌تواند قرینه‌ای عام بر رجحان بازی کشتی باشد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲/۲۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱/۲۷۵).

### سایر بازی‌های مستحب

علاوه بر بازی‌های یاد شده بازی‌های دیگری نیز وجود دارد مانند پیاده‌روی (الحاکم النیسابوری، ۱۴۱۱: ۴/۲۳۳) دویدن (الحمیدی، ۱۹۹۶: ۱/۲۸۹)، وزنه‌برداری (بلند کردن سنگ)، (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۰) که گفته شده مستحب هستند. در روایات به آنها سفارش شده است. اما اثبات استحباب این موارد، از طریق روایات به لحاظ اشکالات سندی و دلالتی محل تأمل و نیازمند دقت نظر است.

### ادله عامه بر استحباب بازی‌ها

ادله عامه بر استحباب بازی‌ها عبارتند از:

### دلیل اول. عمومات داله بر اهتمام اسلام به ارتقای سلامت

توجه به تن درستی در اسلام، یک اصل مسلم در حوزه تربیت جسمانی است. در آیات قرآن توانمندی جسمی در کنار توانمندی علمی، ملاک برتری انسان به شمار آمده است (بقره/۲۴۷). همچنین در برخی دیگر از آیات، قدرت جسمی به عنوان یک امتیاز (قصص/۲۶) و نعمت ارزشمند خداوند (اعراف/۶۹) معرفی شده است که می تواند سبب صعود انسان به کمال معنوی شود (قصص/۱۴) در روایات نیز توجه به نیازهای جسمی به مثابه حقی بر عهده انسان معرفی شده است که باید استیفا شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۸/۶۷). همچنین، سلامت جسمی از اموری است که به موازات سلامت معنوی از خداوند باری تعالی درخواست شده است (همان، ۹۱/۹۵) و این امر نشان گر اهتمام معارف دینی به سلامت جسمی به موازات سلامت معنوی است. بنابراین، رشد و ارتقای سلامت انسان در فضای کلی آیات و روایات، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. پس هر امری که بتواند باعث حفظ سلامت جسمانی و تقویت آن بشود، مورد تایید و تشویق اسلام قرار می گیرد. از این رو هر بازی که به نحوی موجب تقویت و رشد سلامت جسمانی شود، مورد تایید اسلام است و بدین جهت حکم به استجاب و مطلوبیت آن ها می شود (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱۷/۲۴۳).

### دلیل سوم. قاعده تسامح در ادله سنن

مفاد قاعده دلالت می کند بر این که احکام استجابی از طریق روایات ضعیف نیز قابل اثبات است. بنابراین، بر فرض تمامیت این قاعده، می توانیم استجاب بازی های از قبیل تیراندازی و اسب سواری را که در خصوص آن ها در اخبار ضعیف وعده ثواب داده شده است را اثبات کنیم.

### دلیل دوم. سیره مسلمانان

اهتمام مسلمانان نسبت به بازی هایی مانند اسب سواری، تیراندازی، شنا، کشتی و غیره و تعلیم این بازی ها به فرزندان از سنین کم، برگزاری مسابقات، استمرار این سیره در طول تاریخ و در مناطق مختلف بین مسلمانان با وجود اختلافاتی که بین آن ها است و نبود نص و قرینه ای



به‌خلاف آن، می‌تواند دلیل بر رجحان این عمل در نزد مسلمانان باشد به‌دلیل نقشی که این بازی‌ها در حفظ جان، سلامتی جسم، و دفاع از خود و جامعه دارد، و بر فرض انکار دلالت سیره بر استحباب می‌تواند حداقل به‌عنوان یک موید برای استحباب باشد و چه بسا در صورت تجمیع با شواهد و قراین دیگر از جمله اخبار ضعیف، شهرت بین فقها و... بتواند باهم استحباب را اثبات کنند.

### راه‌های کشف و تعمیم ملاک‌های احکام

اساس تعدی از نصوص شرعی منوط به‌فهم ضوابط و کشف ملاک‌های احکام است. ولی باید توجه داشت که برای فهم ضابطه نمی‌توان به‌ذوق شخصی بسنده کرد، بلکه باید با دلیل شرعی ثابت شود که از این دلیل در نزد فقها امامیه تعبیر به‌راه‌های تعدی از نص می‌شود و در نزد فقها اهل سنت، تعبیر به‌مسالک علت و یا طریق علت می‌شود (میرخلیلی، ۱۳۷۹: ۵۹).

کشف ضوابط احکام در فقه شیعه بیشتر در مباحثی از قبیل تنقیح مناط، الغای خصوصیت و تناسب حکم و موضوع ظاهر می‌شود. در فقه اهل سنت نیز در مباحثی مانند قیاس، استحسان و مصالحه مرسله بیشتر یافت می‌شود.

### تنقیح مناط

واژه تنقیح در لغت به‌معنای پاکیزه کردن، عریان نمودن و استخراج، و واژه مناط به‌معنای معلق کردن و مرتبط کردن یک شیء به‌شیء دیگر آمده (رحمانی فرد، ۱۳۹۴: ۱۴۳؛ کلاتری، ۱۳۸۷: ۱۳۳) و در اصطلاح اصولیان، تنقیح مناط عبارت است از کشف ملاک قطعی حکم و تعمیم حکم از یک واقعه به‌واقعه دیگر به‌جهت یکی بودن ملاک حکم. در نزد مشهور فقها امامیه اگر تنقیح مناط قطعی باشد، حجت است (رحمانی فرد، ۱۳۹۴: ۱۴۳؛ میرخلیلی، ۱۳۷۹: ۵۹؛ کلاتری، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

### قیاس

قیاس به‌دو نوع است:

۱. منصوص العله: در لسان دلیل، به‌علت واقعی آن حکم تصریح شده است. تفاوت آن با

تنقیح مناط در این است که در قیاس منصوص العله، علت حکم به صورت واضح و صریح در نص آمده است اما به خلاف تنقیح مناط که در آن علت به صراحت بیان نشده است و فقیه از طریق شواهد و قرائن داخلی و خارجی مناط را کشف کرده و سپس حکم را به غیر مورد نص تعمیم می دهد (کلانتری، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

۲. مستنبط العله که نوعی تنقیح مناط از طریق استنباط و اجتهاد ظنی مجتهد است و تفاوت آن با تنقیح مناط در این است که تنقیح مناط مجتهد می تواند ظنی یا قطعی باشد، اما قیاس مستنبط العله همواره ظنی است (همان، ۱۴۶) و لذا در نظر امامیه فاقد ارزش است.

### الغای خصوصیت

مجتهد از طریق الغای خصوصیت قصد شارع یا قانون گذار را از نص وی استخراج می کند و حکم آن را به موارد دیگر که در مورد آن نص وجود ندارد سرایت می دهد. در این روش مجتهد تمام خصوصیات که در موضوع وجود دارد را بررسی می کند سپس خصوصیات را که یقین دارد در حکم دخالت ندارد را الغا می کند و از این طریق افراد بیشتری را در موضوع وارد می کند و به این صورت حکم مواردی را که نص در مورد آنها وجود ندارد را روشن می کند (رحمانی فرد، ۱۳۹۴: ۱۴۶ و ۱۴۷).

### معیارها و قیود بازی های مستحب

با تأمل در ادله عامه و خاصه مشخص شد قیود ذیل در استحباب بازی های موثر است (البهلال، ۱۴۳۵: ۲۰۵؛ سعادت کنو، ۱۴۳۳: ۱۹۷):

۱) بازی باعث بهبود و ارتقای سلامت جسم و جان آدمی شود. حفظ و ارتقای سلامت جسمانی، روحی و روانی همواره مورد تأکید اسلام بوده است (بقره/ ۲۴۷؛ قصص/ ۲۶ و ۱۴؛ اعراف/ ۶۹). از این رو در خصوص تغذیه، استراحت، تفریح و غیره دستورات خاصی را صادر کرده است. با تأمل در این دستورات، مشخص می شود ملاک امر و نهی شارع در این حوزه، نفع و عدم نفع است. یعنی هر آنچه که برای سلامت جسمی، تقویت و رشد آن مفید باشد به آن سفارش کرده است و هر آنچه که برای بدن ضرر داشته باشد، از آن نفی کرده است. حتا در مورد عبادات گفته

شده اگر تحصیل طهارت یا روزه گرفتن برای انسان ضرر داشته باشد، وجوب آن برداشته می‌شود. بنابراین، هر بازی که بتواند به تقویت روحی- روانی و جسمانی انسان کمک کند از نظر شرع رجحان دارد.

۲) موجب نشاط انسان برای انجام تکالیف الهی شود. بر اساس آموزه‌های اهل بیت (ع) شادی یکی از لوازمی است که انسان به وسیله آن به سلامت جسمانی و روانی رسیده و راه رسیدن به خوش‌بختی برای او باز می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۴۸۱). از این رو هر آنچه که بتواند باعث شادی و نشاط حلال شود رجحان دارد. بنابراین، اگر بازی نیز باعث افزایش نشاط و شادابی انسان شود و او را در مسیر انجام واجبات و رسیدن به کمال کمک کند قطعاً رجحان دارد.

۳) بازی از مصادیق حق و باعث تقویت حق شود. در برخی روایات به این علت تصریح شده است (کلینی، ۱۴۲۹: ۹/۴۶۸؛ البیهقی، ۱۴۲۱: ۵/۲۳۶). پس هر امری که موجب کمک به حق و استقامت در مقابل باطل شود، مجاز است. بنابراین، هر بازی که متصف به اوصاف مذکور باشد جایز و بلکه مستحب است.

۴) بازی باعث ایجاد ترس و دلهره در دشمنان شود. در آیه ۶۰ سوره انفال بعد از توصیه به تجهیز مسلمانان و کسب آمادگی جنگی می‌فرماید: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» این جمله، به منزله علت برای «أَعِدُّوا لَهُمْ» است. بنابراین، طبق قاعده «العله تعمم و تخصص» می‌گوییم هر چیزی که باعث ترساندن دشمن بشود، از نظر مولی رجحان دارد. در نتیجه از مورد آیه تعدی می‌کنیم و می‌گوییم هر بازی که بتواند رعب و وحشت را بر دل دشمن حاکم کند و لرزه بر اندام دشمن بیندازد، از نظر شارع مطلوب است.

۵) اشتغال به بازی موجب ترک واجبات یا ارتکاب محرمات نشود. در آیه ۹ سوره جمعه به صراحت از بیع بعد از اذان ظهر جمعه نهی می‌کند؛ زیرا اشتغال به بیع مانع از انجام این فریضه الهی می‌شود. همچنین در آیات ۹۰ و ۹۱ از سوره مائده، نیز خداوند «میسر» را به خاطر این که مانع از ذکر خدا و نماز می‌شود. باعث عداوت و دشمنی بین مردم می‌شود و نیز مانع از اصلاح ذات‌البین می‌شود. منع می‌کند. پس در بازی‌ها زمانی حکم به استحباب می‌شود که خالی از مفسده باشد و منجر به ترک واجب نشود.

۶) علاوه بر موارد یاد شده باید توجه که بازی نباید موجب ضرر به نفس و اضرار به غیر بشود (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۸۶/۱۰؛ البیهقی، ۱۴۲۴: ۲۲۵/۱۰). همچنین بازی نباید با ابزار قمار باشد (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۷۲/۹).

### جمع بندی

با توجه به مطالب یاد شده، حکم به استحباب و جواز در هر بازی منوط و مشروط به اموری است که اگر در یک بازی این امور اجتماع کنند حکم به جواز و استحباب آن می شود در غیر این صورت متصف به سایر احکام تکلیفی می شود.

### دلالت های تربیتی بازی های مستحب

از آنچه بیان شد می توان موارد زیر را به عنوان دلالت های تربیتی بازی بیان کرد:

۱. بهره جستن از فعالیت های غیر جدی در تربیت: بسیاری از کارهای روزمره انسان همراه با جدیت و تلاش و سخت کوشی است. از این رو با توجه به مشروعیت دادن اسلام به برخی از بازی ها و توصیه به آنها، معلوم می شود که در امر تربیت برای رشد و تعالی افراد، به ویژه کودکان باید از بازی که عنصر اساسی آن عدم جدیت است، بهره برد. بدین جهت والدین در بحث تربیت باید از کارهای جدی و برنامه ریزی های منظم که فرصت بازی از کودک را می گیرد، اجتناب کند.

۲. در دین مبین اسلام هر چند به بازی مشروعیت داده شده و آن را به عنوان ابزاری برای تربیت پذیرفته، اما این بدین معنا نیست که در امر بازی آزادی مطلق داده شده باشد، بلکه باید بازی، در راستای تقویت حق و چارچوب دینی باشد. بنابراین، بازی نباید منجر به ترک واجب، یا انجام حرام شود.

۳. بازی تنها وسیله ای است برای تربیت و آموزش مفاهیم دینی، اخلاقی، اجتماعی و... نه این که خود موضوعیت داشته باشد. یعنی بازی در ضمن این که یک فعالیت غیر جدی و برای تفریح است، اما باید یک آورده ای داشته باشد، تا مانع از اتصاف فعالیت انسان به لغویت و عبث شود. ۴. از منظر دین اسلام، همان گونه که توجه به بعد معنوی و روح آدمی لازم است، توجه

به بعد مادی و جسمانی نیز ضروری است، از این رو، والدین و مربی باید در امر تربیت به دو بعد روحانی و جسمانی فرد توجه کند.

۵. با توجه به این‌که بازی‌های چون تیراندازی، اسب‌دوانی، شنا و... دارای یک نظم، هدف، چارچوب و ضوابط خاصی است، امر تربیت نیز باید دارای برنامه، مبداء، مقصد و هدف باشد و از بی‌برنامگی و بی‌نظمی در آن اجتناب شود.

۶. با توجه به بازی‌های توصیه شده، مربی در تربیت باید به تقویت روحیه استکبار ستیزی متری و آماده کردن او برای جهاد توجه کند. بنابراین، تربیت مجاهد با ایمان، آگاه، دشمن‌شناس یکی از اهداف مهم تربیت است که از طریق بازی محقق می‌شود.

۷. بازی تیراندازی به ما یاد می‌دهد که باید برای زندگی هدف داشت زیرا زندگی بدون هدف مثل تیراندازی بدون هدف است که می‌تواند آثار و پیامدهای زیان‌باری به همراه داشته باشد. از این رو تربیت نیز باید هدف‌مند باشد و بتواند انسان را برای رسیدن به هدف خلقت که همان عبودیت و بندگی خدا باشد، مهیا کند. همچنین این بازی به ما یاد می‌دهد برای رسیدن به هدف باید تمرین و ممارست کرد و در برابر مشکلات باید صبر و حوصله پیشه کرد زیرا بدون این امور تحقق هدف مقدور نیست. تیراندازی به ما یاد می‌دهد که باید بر روی هدف تمرکز کرد و هر آنچه غیر آن است، با هر رنگ و لعابی که باشد باید از آن چشم‌پوشی کرد تا به موفقیت برسیم در تربیت نیز باید اینگونه عمل کرد.

۸. بزرگ‌مربی عالم، پیامبر خاتم (ص) خود با حسنین (علیهما سلام) و کودکان بازی می‌کردند از این رو مربیان نیز باید در بازی با کودکان برخی از شأن و شوونات را کنار گذاشته و با مربی خود بازی کنند. بدین جهت دین اسلام سفارش به تصابی کرده است که نقش مهمی در ایجاد ارتباط و رشد عاطفی کودک دارد.

۹. بازی‌های توصیه شده در اسلام، می‌تواند به تقویت قوای بدنی، اراده و استقامت، تعامل اجتماعی و هم‌کاری با دیگران منجر شود. همچنین موجب تقویت تمرکز، دقت، انضباط و مسئولیت‌پذیری در افراد می‌شود. این ویژگی‌ها نشان از توجه به سلامت و تربیت فیزیکی، روحی و اخلاقی افراد در اسلام دارد. از این رو در تربیت باید به اهداف یاد شده توجه کرد و هر

امری که بتواند به وجود آورنده موارد مذکور باشد، از نظر اسلام رجحان خواهد داشت.  
۱۰. مربی در تربیت متربی باید از ابزار تشویق و جایزه استفاده کند. شاهد بر این ادعا سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در خصوص بازی با کودکان است که قبلاً بیان شد.

### نتیجه‌گیری

بازی هر گونه فعالیت غیر جدی است که به قصد لذت بردن و رسیدن به سرور و شادمانی انجام می‌شود. بازی‌ها در لسان روایات به لحاظ مدح و ذم به سه دسته ممدوح، مذموم و مجاز تقسیم می‌شوند. به لحاظ حکم شرعی نیز به مباح، مستحب، مکروه و حرام تقسیم می‌شوند. کشف ملاک و معیار احکام یکی از ابعاد مهم اجتهاد در فقه اسلامی است که از طریق تنقیح مناظ، الغای خصوصیت، قیاس و تناسب حکم و موضوع انجام می‌شود. انواع مختلف بازی‌ها در صورتی متصف به استحباب می‌شوند که نافع باشند، موجب تقویت جسم و آمادگی جسمانی برای دفاع از حق و اسلام شوند. انجام آن موجب اسراف و ضرر و زیان نباشد همچنین باعث ترک واجب و کار مهم نشود. بازی نباید موجب اختلاف شود، بلکه انجام آن باید زمینه‌ساز صلح و برادری میان مسلمانان و تالیف قلوب بین انسان‌ها شود. در تربیت گاهی لازم است از فعالیت‌های غیر جدی مانند بازی همراه با تشویق و تعیین جایزه بهره جست. مربی باید در امر تربیت براساس یک برنامه مدون به تمام ابعاد متربی توجه کند و او را در مسیر حق رشد دهد و قوای بدنی، عزم و روحیه استکبار ستیزی او را تقویت کند.

### کتابنامه

#### \* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، چاپ ششم، ایران، تهران: کتابچی.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ه)، *مناقب آل ائمه (ع)*، چاپ: اول، ایران، قم: علامه.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، چاپ اول، عراق، نجف اشرف: دار المرتضویة.

۴. ارنائو و طوی، زهیر، (۲۰۱۶م)، *اللعب فی القرآن الکریم دلالتہ و سیاقاتہ و مصاحباتہ*، عراق: دانشگاه بغداد.
۵. اعرافی، علی‌رضا، (۱۳۹۷ش)، *فقه تربیتی (تربیت جسمانی)*، پژوهش و نگارش محمد قاسم رجایی، ج ۱۷، چاپ: اول، ایران، قم: موسسه اشراق و عرفان.
۶. اعرافی، علی‌رضا؛ مبلغ، محمد کاظم، (۱۳۹۵)، «حکم فقهی استفاده از بازی در تربیت»، *مجله مطالعات فقه تربیتی*، دوره ۲، شماره ۴، ص ۸۳ تا ۱۱۰
۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق)، *المکاسب*، ج ۲، چاپ ۱۶، ایران، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵هـ)، *کتاب الطهارة*، ج ۲، ایران، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰هـ ق)، *صحیح البخاری*، ج ۳، چاپ ۲، مصر، قاهره: جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة.
۱۰. البهلال، صالح فريح، (۱۴۳۵هـ)، *الأحاديث الواردة في اللّعب والرياضة - دراسة حديثة فقهية-*، الطبعة الأولى، المملكة العربية السعودية، الدمام: دار ابن الجوزي للنشر والتوزيع.
۱۱. البيهقي، أحمد بن الحسين (۱۴۲۱هـ)، *شعب الإيمان*، (محقق: أبوهاجر محمد السعيد بن بسيوني زغلول)، ج ۵، الطبعة: الأولى، لبنان، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۴هـ)، *السنن الكبرى*، (محقق: محمد عبدالقادر عطا)، ج ۱۰، الطبعة: الثالثة، لبنان، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۱۹هـ)، *الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی*، ج ۳، چاپ ۱، مصر، قاهره: دار الحديث.
۱۴. جمعی از پژوهش‌گران، (۱۴۰۴هـ)، *الموسوعة الفقهية الكويتية*، الطبعة الأولى، مصر: دار الصفوة؛ الطبعة الثانية الكويت، دارالسلاسل.
۱۵. الحاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۲ و ۴، الطبعة: الأولى، لبنان، بيروت: دار الكتب العلمية.

۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹هـ)، *تفصیل وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة*، چاپ اول، ایران، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۷. حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور، (۱۴۱۰هـ)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ج ۲، چاپ دوم، ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳هـ)، *معارج الأصول*، چاپ: اول، ایران، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۹. حلّی، حسن بن علی (۱۳۴۲)، *الرجال*، چاپ: ۱، ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۲هـ)، *رجال العلامة الحلّی*، چاپ: ۲، ایران، قم: الشریف الرضی.
۲۱. الحمیدی، عبدالله بن الزبیر، (۱۹۹۶م)، *مسند الحمیدی*، (حقوق نصوصه و خرج احادیثه: حسن سلیم أسد الدّازانی)، ج ۱، الطبعة: الأولى، سوریه، دمشق، دار السقا.
۲۲. خمینی، روح الله، (۱۳۹۲ش)، *المکاسب المحرمة*، ج ۲، چاپ ۴، ایران، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی (قدس سره).
۲۳. خمینی، روح الله، (۱۳۹۲ش)، *استفتائات امام خمینی (س)*، ج ۵، ایران، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی (قدس سره).
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۷هـ)، *مصباح الفقاهة*، (مقرر: محمد علی توحیدی)، ج ۱، ایران، قم: انصاریان.
۲۵. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸هـ)، *موسوعة الإمام الخویی*، ج ۳۵، ایران، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخویی.
۲۶. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳هـ)، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، ج ۱۸، چاپ: ۵، ایران، قم: مؤسسه الخویی الإسلامية.
۲۷. دستمرد، مادح؛ بخشش، مریم؛ ابراهیمی شادپی، عاطفه، (۱۳۹۸ش)، «بررسی تحلیلی جایگاه بازی در تعلیم و تربیت کودکان از نظر مکاتب غربی و اسلام»، *مجله پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، سال دوم، شماره ۱۹، ص ۵۵ تا ۶۴.
۲۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۱ش)، *لغت نامه دهخدا*، ج ۳، ایران، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.



۲۹. رحمانی فرد، علی؛ موسوی سید محمد تقی، (۱۳۹۴ش)، «تأملی بر نقش تنقیح مناظ و اصطلاحات همسو در استنباط احکام»، *دوفصلنامه علمی- ترویجی مطالعات اصول فقه امامیه*، سال دوم، شماره ۴: ۱۴۱ تا ۱۶۶.
۳۰. رضائی، حسین علی، (۱۳۸۵ش)، *مسابقات در فقه اسلامی*، ایران، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۳۱. رضاییان حق، معصومه؛ سترگ، طاهر، (۱۳۹۵ش)، «حکم فقهی مصادیق لهُو و لعب از منظر قرآن و روایات»، *فصلنامه تخصصی فقه و معارف اسلامی سلمی*، شماره ۶، ۱۵۴ تا ۱۱۶.
۳۲. رضوان فر، احمد، (۱۳۸۴ش)، *فرهنگ اخلاقی معصومین (ع) (حرف ب)*، ایران، قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۳۳. روحانی، محمد صادق، (۱۴۲۹ه)، *منهاج الفقاهة*، ج ۲، چاپ ۵، ایران، قم: أنوار الهدی.
۳۴. الروقی، سعود بن عبدالله، (۱۴۲۹ه)، «الریاضة من منظور اسلامی» *مجلة البحوث الفقهية المعاصرة*، مج ۲۰، ع ۷۹، السعودية: ۲۲۶ تا ۳۲۱.
۳۵. الزحیلی، وهبه بن مصطفى، (۱۴۰۹ه)، *الفقه الإسلامي وادلته*، سوریه، دمشق: دار الفکر.
۳۶. الزهری، محمد بن سعد، (۱۴۲۱ه)، *الطبقات الكبير*، (المحقق: الدكتور علی محمد عمر)، الطبعة: الأولى، مصر، القاهرة: مكتبة الخانجي.
۳۷. سعاد کنو، خالد، (۱۴۳۳ه)، *الألعاب الرياضية أحكامها ضوابطها دراسة فقهية تأصيلية معاصرة*، الطبعة الاولى، سوریه، دمشق: دار النوادر.
۳۸. الشری، سعد بن ناصر، (۱۴۱۸ه)، *المسابقات وأحكامها فی الشريعة الإسلامية*، الطبعة الاولى، السعودية، الرياض: دار العاصمة.
۳۹. شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۳ش)، «سرگرمی و لهُو در قرآن کریم»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، دوره ۱۲، شماره ۴۸ - شماره پیاپی ۴۸، ص ۱۰۳ تا ۱۲۶.
۴۰. صدر، محمدباقر، (۱۴۲۱ه)، *دروس فی علم الأصول الحلقة الأولى و الثانية*، چاپ: اول، ایران، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۴۱. الطبرانی، سلیمان، (۱۴۱۵ه)، *المعجم الأوسط* (پژوهش أبو معاذ طارق بن عوض الله بن

- محمد؛ أبو الفضل عبدالمحسن بن إبراهيم الحسيني)، القاهرة، الناشر: دار الحرمين.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، ج ۵، چاپ: ۳، ایران، تهران: ناصر خسرو.
۴۳. طلانی اردکانی، رضا (۱۳۷۹ش)، *مفهوم و ملاکهای لهو با توجه به مصادیق قرآنی و روایی*، ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد، پایان نامه کارشناسی ارشد،
۴۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، *المبسوط في فقه الإمامية*، (محقق محمدباقر بهبودی)، ایران، تهران: مکتبه المرتضوية،
۴۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، *تهذيب الأحكام*، ج ۴، چاپ: ۴، ایران، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۴۶. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، ج ۲، چاپ: اول، ایران، تهران: المطبعة العلمية.
۴۷. الغامدی، عبدالرحمن بن حمود، (۲۰۱۵م)، «حق الطفل في اللعب من منظور التربية الإسلامية»، المملكة العربية السعودية، *مجلة كلية التربية*، جامعة الأزهر، العدد ۱۶۴، الجزء الثالث. (ص) ۵۳۹ تا ۵۸۴.
۴۸. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۳)، *قاعده تسامح در ادله سنن*، (مقرر و محقق: حسن مهدوی)، ایران، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۴۹. کلاتری، علی اکبر، (۱۳۸۷ش)، «مفهوم، اعتبار و مکانیزم تنقیح مناظ»، *فصلنامه علمی فقه و اصول*، دوره ۴۰، شماره ۳، شماره پیاپی ۳، ص ۱۳۱ تا ۱۵۷.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ه)، *الکافی*، چاپ: ۱، ایران، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۵۱. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۶ه)، *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، ج ۴، چاپ: ۱، ایران، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۵۲. مبشر، لیلا، (۱۳۹۶ش)، *معناشناسی «لعب» در قرآن کریم با تأکید بر روابط ساختاری*، پژوهشگاه

- علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده مطالعات قرآنی، گروه علوم قرآن و حدیث.  
 ۵۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳هـ) *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، چاپ دوم، لبنان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۴. المدالله، عبدالعزيز (۱۴۳۲هـ)، *الضوابط الشرعية في لعب الأطفال*، عربستان، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الماجستير، المعهد العالی القضاء، قسم فقه المقارن.
۵۵. مطهری، محمد رضا (۱۳۸۱ش)، «عوامل موثر در بازی کودکان»، *مجله پیام زن*، شماره ۱۲۳، ص ۸۶ تا ۹۰.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، *دائرة المعارف فقه مقارن*، ج ۱، چاپ: اول، ایران- قم: ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)
۵۷. میرخلیلی، سید احمد (۱۳۷۹ش)، «فقه و ملاکات احکام»، *مجله علمی پژوهشی قیاسات*، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۵۹ تا ۷۵.
۵۸. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۲۲ و ۲۸، چاپ هفتم، لبنان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۹. النسائی الخراسانی، أحمد بن شعيب، (۱۴۲۱هـ)، *السنن الكبرى*، (محقق حسن عبدالمنعم شلبي)، ج ۸، الطبعة: الأولى، بیروت، لبنان: مؤسسة الرسالة.
۶۰. نمازی، عبدالنبی، (۱۳۷۵ش)، *مصباح الشريعة فی شرح تحرير الوسيلة*، ایران، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۶۱. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۴، چاپ اول، بیروت، لبنان: مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۶۲. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲هـ)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، ج ۱، چاپ ۱، ایران، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۶۳. الهیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر (۱۴۱۴هـ)، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، (المحقق: حسام‌الدین القدسی) القاهرة، الناشر: مكتبة القدسی.